

# ATHEISM

## کتابِ راهنمای کمبریج در خداناباوری

مهدی اخوان

### اشاره:

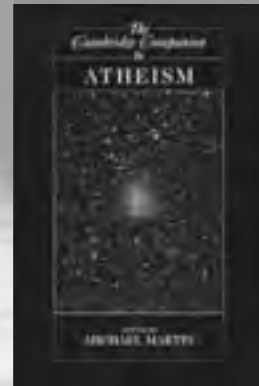
همچنان که نفس‌پیدایی و جریان خداناباوری در طول تاریخ و چالش‌های آن جریان عظیم خداناباوری، ناخواسته و بالمآل جریان خداناباوری را زنده، شاداب و انگیزه‌مند ساخته است، کوشش‌های نظریه‌پردازان و مدافعان نظری این جریان نیز، همواره موجبات بازنگری، تدقیق و بازسازی و استوارسازی پشتوانه‌های تئوریک و ادله‌های خداناباوری را از سوی مؤمنان فراهم آورده است. کتابِ راهنمای کمبریج در خداناباوری، یکی از مجموعه‌های انتشارات کمبریج است که به مقوله خداناباوری پرداخته است. اثر حاضر کتابی کلاسیک و دانش‌نامه‌ای در باب موضوع خداناباوری است. این کتاب به‌دور از هرگونه رهیافتی تبلیغی و سوگیرانه، مقوله خداناباوری را پیش‌کشیده و آرا و دیدگاه‌های مدافعان و منتقدان آن را گزارش و تحلیل می‌کند. کتاب حاضر مجموعه مقالاتی است که خداناباوری و الحاد را از زوایا و در زمینه‌های گوناگون تحلیل می‌کند. کتاب برای گریز یک‌سو‌نگری، یک مقاله (ویلیام لینک ریگ) را به عنوان نمونه، به دفاع از خداناباوری اختصاص داده است. مایکل مارتین<sup>۱</sup> (۱۹۳۲) ویراستار این مجموعه، استاد بازنشسته ممتاز فلسفه دانشگاه بوستون و نویسنده بیش از ۱۵۰ مقاله و گزارش به همراه چندین کتاب است، از جمله:

– [خداناباوری، اخلاق و معنا]: *Atheism, Morality and Meaning*

– [امتناع خدا]: *The Impossibility of God (with Ricki monnier)*

– [خداناباوری: توجیهی فلسفی]: *Atheism: A Philosophical Justification*

و اما، آنچه در پی می‌آید، ترجمه مدخل این کتاب است که به قلم خود ویراستار نگاشته شده و در ضمن آن به دورنمایی از مباحث و مقالات موجود در این مجموعه می‌پردازد. مؤمنان<sup>۱</sup> و متدینان، پیش از هرگونه جدال و نزاع بر سر حقیقت و عقلانیت یک دین خاص نخست باید با این مقوله، یعنی خداناباوری به مثابه یک رقیب و حریف روبه‌رو شوند. نگاهی به این کتاب و آثار معرفی شده در کتاب‌شناسی پایان این مدخل نشان می‌دهد که محققین زمینه خداناباوری را نباید دست کم گرفت. همچنان که گفتیم هدف این مجموعه صرفاً آن است که خوانندگان عام و دانش‌جویان متخصص را با مقدمه‌ای بر خداناباوری [الحاد] آشنا سازد که شامل مباحثی در این زمینه‌ها است: تاریخ خداناباوری، زمینه اجتماعی کنونی آن، لوازم حقوقی آن، ادله حامی آن، لوازم آن برای اخلاق و ربط و نسبت آن با دیدگاه‌های دیگر.



*The Cambridge  
Companion to Atheism,  
Edited by: Michael  
Martin, Cambridge  
University Press, 2007.*

## خداناباوری، لادری گری و خداباوری

مفهوم خداناباوری (الحاد) از نظر تاریخی در ظرف ادیان توحیدی غربی رشد و بالیده است و هنوز نیز مشخص‌ترین استعمال و کاربرد آن در همین قلمرو است. مثلاً [در تأیید این که مفهوم الحاد، غربی - توحیدی است] کاربرد این مفهوم، در زمینه‌های غیرغربی و ماقبل مدرن، می‌تواند گمراه‌کننده باشد. افزون بر این، حتی بسته به تصورات گوناگونی که از خداوند وجود دارد، از خداناباوری در زمینه غربی هم معانی متفاوتی اراده می‌شود. اما با وجود این، فرض این کتاب آن است که اگر این مفهوم با احتیاط خارج از زمینه‌های تاریخی روشن آن به کار رود، برای خوانندگان غربی روزگار ما واضح است.

وقتی در یک واژه‌نامه به دنبال واژه (الحاد) [atheism] [بگردید، چنین معنایی را برای آن می‌یابید: عقیده به این که هیچ‌گونه خدایی در کار نیست (وجود ندارد). مسلماً افراد بسیاری «خداناباوری» را به این معنا می‌فهمند. اما اگر کسی با لحاظ رگه‌های یونانی، این مفهوم را مورد توجه قرار دهد، چنین معنایی را در این واژه نمی‌یابد. در یونانی «a» [حرف سلب] به معنای «فاقد»، «نه» و «those» به معنای «خدا» می‌باشد.<sup>۱</sup> از این نظر ملحد، فردی فاقد عقیده به خدا است؛ لازم نیست او فردی باشد که معتقد است خدا وجود ندارد.<sup>۲</sup>

اما در عین حال، معنای معمول واژه‌نامه در برابر واژه «الحاد» صرفاً این نیست که ملحد فردی است که هیچ‌گونه باوری به خدا یا خدایان ندارد، بلکه مراد فردی است که عقیده دارد که هیچ‌گونه خدا یا خدایانی وجود ندارد. باید به این کاربرد واژه الحاد توجه داشت. برای آن که اشتباه نکنیم این معنای اخیر را خداناباوری ایجابی می‌خوانیم و آن نوع الحاد که در اصل یونانی آن ریشه دارد را خداناباوری سلبی می‌خوانیم. در این مجموعه هیچ تعریف عامی از «خدا» به دست داده نشده است.<sup>۳</sup> اما متمایز ساختن شماری از مفاهیم گوناگون از خدا که در مناقشات و مباحث مرسوم در باب دین شکل گرفته است، مفید خواهد بود. در دوره‌های جدید «خداباوری» عموماً به معنای باور به خدای مشخص می‌آید که توجهی فعال به جهان و نیز انکشاف خاصی در قبال انسان‌ها دارد. اگر خدا به این معنا فهمیده و تصور شود، خداباوری در مقابل خداباوری طبیعی (Deism) قرار می‌گیرد؛ گرایشی که خدا را نه مبتنی بر انکشاف، بلکه مبتنی بر قرینه‌ای از طبیعت می‌داند. چنین خدایی [خدای دئیستی] به مثابه موجودی بریده

و گسسته از جهان تصور می‌شود که از نزدیک همراه با دل‌مشغولی و پروای آن نیست. خداباوری هم‌چنین با چندین خداگرایی [شرک] (polytheism) (عقیده به بیش از یک خدا) و وحدت وجود یا همه‌خدانگاری (pantheism)؛ (این عقیده که خدا با طبیعت یکی است) در تقابل است.

بدین‌سان الحاد سلبی به معنای موسع،<sup>۴</sup> عدم عقیده به هرگونه خدا [god] یا خدایان [Gods] است و نه تنها عدم عقیده به خدای توحیدی مشخص، و الحاد سلبی به معنای مضیق و محدود عدم عقیده به خدای توحیدی است. الحاد ایجابی هم به معنای موسع، باور نداشتن (disbelief) به هرگونه خداست و الحاد ایجابی به معنای مضیق، به معنای باور نداشتن به خدای توحیدی است. اگر بخواهیم از الحاد ایجابی به معنای مضیق، دفاعی موفق به عمل آوریم، باید دو کار انجام دهیم: نخست آن که ادله باورداشتن به سود خدای توحیدی رد و ابطال شود. به عبارت دیگر، باید الحاد سلبی به معنای مضیق آن اثبات شود و دوم ادله باورداشتن به سود خدای توحیدی عرضه شود.

این مقولات و دسته‌بندی‌ها، پیچیدگی و تنوع موضوعی را که خداناباوران به آن‌ها معتقدند در نظر نمی‌گیرد، چرا که ممکن است فردی به لحاظ تصورات متفاوت از خداوند، مواضع خداناباورانه گوناگونی را معتقد باشد. بر این اساس ممکن است کسی معتقد باشد که دلیل مناسبی به سود وجود خدایان انسان‌گونه‌ای هم‌چون زئوس وجود ندارد و از این‌رو، راجع به زئوس و خدایان مشابه ملحد ایجابی باشد، اما با این حال مثلاً درباره خدای پل تیلیخ ملحد سلبی باشد.<sup>۵</sup> به‌علاوه، محتمل است افرادی (و اغلب در واقع هم این‌گونه است) با لحاظ تصورات گوناگون از خدای توحیدی به مواضع خداناباورانه متفاوتی معتقد باشند؛ مثلاً ممکن است کسی به خدای آکویناس ملحد ایجابی باشد، اما همین فرد در قبال خدای قدیس ترزا ملحد سلبی باشد.

لادری‌گری (نه باورداشتن و نه باور نداشتن به این‌که خدا وجود دارد) اغلب در برابر الحاد قرار می‌گیرد، اما تقابل مطلق لادری‌گری با الحاد گمراه‌کننده و غلط‌انداز است. لادری‌گری و الحاد ایجابی در واقع ناسازگارند؛ بدین معنا که اگر الحاد صادق باشد، لادری‌گری کاذب است و بالعکس. اما لادری‌گری با الحاد سلبی سازگار است، به این جهت که لادری‌گری مستلزم الحاد سلبی است. از آن‌جا که لادری‌گراها به خدا باور ندارند، بنابر تعریف ملحد سلبی‌اند.



این نه به آن معناست که الحاد سلبی مستلزم لادری‌گری باشد. ملحد سلبی ممکن است (اما لازم نیست) به خدا اعتقاد نداشته باشد.

در جایی دیگر ادله اصلی لادری‌گری را مورد ارزیابی قرار داده‌ام.<sup>۶</sup> در این‌جا به توضیح موضوع مورد نزاع میان الحاد ایجابی و لادری‌گری می‌پردازیم. می‌توان فرض کرد، لادری‌گرا در این‌که ادله مناسبی [به سود وجود خدا] وجود دارد یا نه، تردید دارد، در حالی‌که فردی ملحد این‌گونه نیست [تردید ندارد که دلیلی وجود ندارد]. اما این تنها شیوه بیان تفاوت میان این دیدگاه‌ها نیست. ممکن است لادری‌گرایی معتقد باشد که ادله مناسبی به سود باور نداشتن به این‌که خدا وجود دارد، در کار است، ولی به این امر هم معتقد باشد که ادله‌ای به همان میزان مناسب به سود باور داشتن به این‌که خدا وجود دارد، در کار است. این دلایل متقابل یک‌دیگر را خنثی و تعدیل می‌کنند و هیچ‌گونه دلیل جامع ایجابی به سود باور داشتن یا نداشتن به دست نمی‌دهد.

این دیدگاه را که معتقد است، هیچ دلیل مناسبی نه به سود باور به وجود خدا، وجود دارد و نه به سود باور به عدم وجود خدا لادری‌گری شکاکانه خوانده و دیدگاهی که بر آن است که دلایل به سود خدا باوری و خدا باوری به یک اندازه مناسب بوده و هم‌دیگر را خنثی می‌کنند، لادری‌گری خنثی می‌خوانیم.

ادله‌ای که قصد دارند خدا باوری ایجابی و خدا باوری سلبی را با هم اثبات کنند، لادری‌گری شکاکانه و خنثی را با هم نقض می‌کنند. آن‌گاه که موجه بودن الحاد سلبی را نشان دهیم، لادری‌گری خنثی نفی می‌شود، زیرا فرض لادری‌گری خنثی آن است که هم خدا باوری و هم خدا باوری ادله مناسبی دارند که هم‌دیگر را خنثی می‌کنند و الحاد سلبی عبارت است از این‌که هیچ دلیل مناسبی به سود باور توحیدی در کار نیست. هم‌چنین ادله‌ای که نشان می‌دهد، دلایل مناسبی به سود عدم وجود خدا در کار است، لادری‌گری شکاکانه را نفی می‌کنند، چرا که فرض لادری‌گری شکاکانه این است که دلیل مناسبی نه به سود خدا باوری وجود دارد و نه به سود خدا باوری.

### پیشینه، پرونده‌های علیه خدا باوری و لوازم آن

خدا باوری، تاریخ طول و دراز و برجسته ای دارد، به همین جهت چندین فصل این مجموعه به پیشینه آن پرداخته‌اند.

یان برمر (Jan Bermer) در مقاله «الحاد در دوره باستان» [Atheism in Antiquity] از سویی نشان می‌دهد که یونانیان متوجه الحاد نظری شدند و (آن را کشف کردند)؛ امری که به نظر پژوهش‌گران یکی از مهم‌ترین رخدادهای تاریخ دین می‌باشد و از سویی دیگر عقیده دارد که چیزی نگذشت که یونانیان و رومیان، بت پرستان و مسیحیان متوجه شدند که واژه «ملحد» ابزار مفیدی است تا به وسیله آن بر مخالفان‌شان انگ بزنند. به وجود آمدن خدا باوری نه تنها راهی تازه را برای آزادی فکری هموار کرد، بلکه آدمیان را قادر ساخت تا با شیوه‌ای جدید بر مخالفان‌شان برچسب بزنند. رشد و پیش‌رفت یک چیز ندرتاً بدون هزینه اتفاق می‌افتد.

گوین هایمن [Gavim Hyman] در مقاله «الحاد در تاریخ مدرن» [Atheism in Modern History] خطوط کلی نحوه بسط اندیشه خدا باوران را در زمینه غربی ترسیم و تشریح می‌کند. او استدلال می‌کند که خدا باوری و مدرنیته چنان ربط وثیقی با هم دارند که اغلب به نظر می‌رسد که مدرنیته ضرورتاً به الحاد منتهی می‌شود. نتیجه‌ای که او می‌گیرد این است که می‌توان از یک چیز مطمئن بود و آن این‌که: «تقدیر و سرنوشت خدا باوری علی‌الظاهر به نحوی ناگزیر با سرنوشت مدرنیته گره خورده است».

پل زوکرمن [Paul Zuckerman] در مقاله «الحاد: آمارها و الگوهای معاصر» [Numbers and Patterns Atheism: Contemporary] آمار بسیاری راجع به تعداد و توزیع ملحدان در سراسر جهان جمع کرده است. از آن میان این‌که ملحدان بخش عمده‌ای از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و این‌که بی‌اعتقادی [به خدا] معمولاً با سلامت اجتماعی همراه است و این‌که الگو و توزیع ملحدین در جهان این نظریه مرسوم را در معرض تردید قرار می‌دهد که باور به خدا امری جبلی و فطری است.

نیازی به گفتن نیست که بسیاری از فیلسوفان معاصر ما از خدا باوری در مقابل نقدهای خدا باوران دفاع کرده‌اند.<sup>۷</sup> مقاله ویلیام لین کریگ [William Lane Craig] در این مجموعه با عنوان «نقدهای خدا باوران از خدا باوری» [Theistic Critiques of Atheism] دیدگاهی خدا باوران را عرضه می‌کند. این بر عهده خواننده است که داوری کند آیا دفاعیه ویلیام لین از خدا باوری موفق است، یا با ادله‌ای که در فصل‌های دیگر این مجموعه عرضه شده از خدا باوری دفاع موفقی صورت گرفته است یا خیر.<sup>۸</sup>





[Impossibility Arguments] می‌کوشد تا نشان دهد مفهوم خدا ناسازگار است.<sup>۱۰</sup> اما لازم است یادآوری کنیم که بسیاری از ادله‌ای که به وظیفه دوم (دفاع از الحاد ایجابی) می‌پردازد، در این مجموعه نیامده است.<sup>۱۱</sup> مثلاً در جای دیگری تد درنگ [Ted Derange] این‌گونه از الحاد ایجابی دفاع کرده است که نشان داده شمار وسیع بی‌اعتقادان (به خدا) در جهان وجود خدای توحیدی را نامحتمل می‌کند.<sup>۱۲</sup> جان شلینبر<sup>۱۳</sup> کوشیده است تا اثبات کند که باور ادیان غیرخداباور، وجود خدای توحیدی را در معرض تردید قرار می‌دهد. به‌علاوه شلینبرگ نشان می‌دهد که وجود بی‌اعتقادی معقول و منطقی ذاتاً زمینه‌ای فراهم می‌کند که نشان می‌دهد خدا وجود ندارد.<sup>۱۴</sup>

چند فصل این مجموعه بخشی از لوازم مهم و هیجان‌انگیز و تحریک‌آمیز الحاد را استخراج می‌کند. الحاد (خداناباوری) به ضد دینی بودن متهم شده است، اما مایکل مارتین [Michael Martin] در مقاله «خداناباوری و دین» [Atheism and Religion] نشان می‌دهد که با این‌که خداناباوری، دین نیست، اما ادیان خداناباورانه وجود دارد.

کریستین اورال [Christine Overall] در مقاله «فمینیسم (زنانه‌نگری) و خداناباوری» [Feminism and Atheism] نتیجه می‌گیرد لازمه فمینیسم بودن یک فرد آن است که خداناباور باشد.

بنابر نظر استیون گی [Steven Gay] در مقاله «الحاد و آزادی دین» [Atheism and the freedom of Religion]

چند فصلی از این کتاب وظیفه دفاع از خداناباوری سلیبی را بر عهده دارند.

ریچارد گیل [Richard Gale] در مقاله «شکست ادله خداناباورانه کلاسیک» [The Failure of Classical Theistic Arguments] ایرادهای چنین ادله کلاسیکی را که به سود خدا مطرح شده‌اند (مانند برهان وجودشناختی) مطرح می‌کند.

کیت پارسونز [Keith Parsons] در مقاله «پاره ای دلایل خداناباورانه روزگار ما» [Contemporary Theistic Arguments Some] ادله‌ای را که از سوی دو تن از فیلسوفان مسیحی پیش‌تاز معاصر، یعنی الوین پلنتینگا و ریچارد سوئین‌برن مورد دفاع قرار گرفته، نقد می‌کند.

دنیل دنت [Daniel Dennett] در مقاله «الحاد و تکامل» [Atheism and Evolution] از دیدگاه آفرینش باوری (Creationism) و همچنین دیدگاه‌های قایل به صنع و تدبیر هوش‌مندانه (دو گروه نظریه‌ای که همواره با خداناباوری تداومی می‌شود) انتقاد می‌کند.

اِون فیلز [Evan Fales] در مقاله «طبیعی‌گرایی و فیزیکیالیسم» [Naturalism and Physicalism] ایرادهایی را بر فراطبیعی‌گرایی (که مورد خاصی از آن، خداناباوری است) مطرح می‌کند.

دیوید برنیک [David Brink] در مقاله «استقلال اخلاق» [The Autonomy of Ethics] استدلال می‌کند، با آن‌که خداناباوران غالباً مدعی هستند که اخلاق به خداوند اتکاء دارد، اما اخلاق از باور به خداوند مستقل است.<sup>۱۵</sup>

فصل‌های دیگری از این مجموعه وظیفه دفاع از الحاد ایجابی را بر عهده دارد.

آندرا وایسبرگر [Andrea Weinberger] در مقاله «استدلال بر مبنای مسئله شر» [The Argument from Evil] از استدلال سنتی و مرسوم بر مبنای شر دفاع می‌کند. استدلالی که می‌کوشد نشان دهد، این میزان بالای شر در جهان وجود خدای توحیدی را یا کاذب می‌گرداند و یا نامحتمل.

کانتن اسمیت [Quentin Smith] در مقاله «استدلال جهان‌شناختی کلام به سود الحاد» [Kalama Cosmological for Atheism] معتقد است که کیهان‌شناسی لوازم خداناباورانه دارد.

پاتریک گریم [Patrick Grim] در مقاله «دله امتناع»

Hiorth , *Atheism in the World* (Oslo , Norway : Human – Etisk Forbund 2003)

- *Ethics for Atheists* (Mumbia , In dia : Secular Society 1998)

- Hiorth . *Introductin to Atheism* ((Oslo , Norway : Human – Etisk Forbund 2002)

- Joshi. S.T (ed) , *Atheism* (Amherst , N.Y: Prometheus Book , 2000) , Gordon Stein (ed) , *The Encyclopedia of unbelifef*, vols I a and 2 (Buffalo , N.Y :Prometheus Books , 1985).

برای مطالعه بیشتر درباره نسبت زنانه‌گری و الحاد بنگرید

به:

Annie Laurie Gaylord (ed) , *Women without Supersition : No God – No Masters* (Madison , Wis : Freedom from Religion Foundation , 1997)

Woe to the Women : *The Bible Tell Me so* (Madison , Wise :Freedom from Religion Foundation , 1981).

در کنار این منابع جستجوی Google از شبکه سکولار:

[http:// www.Infidel.Org](http://www.Infidel.Org)  
بیش از ۷۰۰ فقره و عنوان درباره الحاد و موضوعات مرتبط با آن دارد.

#### پی‌نوشت‌ها:

\* یکی از مقالات مهم با عنوان «زبان دین و چالش تحقیق‌گرایی» توسط مترجم حاضر در مجله نقد و نظر شماره ۳۹-۴۰ منتشر شده است. اصل مقاله در مجموعه زیر نشر یافته است:

*A Companion to Philosophy of Religion* (pp.204-212)

1 Gordon Stein , The Meaning of Atheism and Agnosticism “ in Gordon Steined , *An Anthology of Atheism and Ratioalism* (Buffala , N.Y : Prometheus , 1980), p.3.

۲. این معنای سلبی از واژه «الحاد» را باید از معنایی که مدنظر پل ادواردز از این واژه است، متمایز ساخت. بنابر نظر ادواردز ملحد فردی است که باور به خدا را نفی می‌کند. این رد می‌تواند به این دلیل باشد که آن فرد معتقد است که گزاره «خدا وجود دارد» کاذب است، یا به دلایل دیگری باشد. معنای سلبی «الحاد» که در این جا به کار رفته است، عام‌تر از تعریف ادواردز است، چرا که بنا بر تعریف فعلی اگر کسی هیچ‌گونه باوری به خدا نداشته باشد،

آزادی دینی ملحدین نسبت به زمانی که نظریه‌پردازان مهم سیاسی معتقد بودند، ملحدین باید اعدام شوند، قدرت آن‌ها در گواه آوردن در دادگاه پذیرفته نمی‌شد و از نمایندگی مجلس محروم بودند، خیلی بیشتر شده است. [اما] تنها در صورتی آن‌ها از آزادی دینی به همان میزان دین‌داران بهره‌مند می‌شوند که حکومتی که در آن زندگی می‌کنند، در تمام شئون‌اتش کاملاً سکولار و غیر دینی شده باشد.

جان کاپوتو [John Caputo] در مقاله «الحاد/ الاهیات و وضعیّت پسامدرن» [Atheism, A / theology and Postmodern Condition] به مرور پاره‌ای از چالش‌های مهمی که پست مدرنیسم برای خدا باوری و خدا باوری دارد، می‌پردازد.

بخش مهمی (اما نه اصلی) از پرونده خدا باوری نشان دادن این امر است که دین را می‌تواند در غالب پدیده‌ای طبیعی تبیین کرد.

استیوارت گاتری [Stewart Guthrie] در مقاله «دیدگاه‌های مردم شناختی در باب دین» [Anthropological Theoriss of Religion] سنخ‌های گوناگون تبیین‌های طبیعی‌گرایانه از دین را طرح و از تبیینی شناختی از دین دفاع می‌کند که جان دارانگاری و انسان‌انگاری از مفاهیم اصلی آن می‌باشد.

و دست آخر بنیامین بایت - هالامی [Benjamin Beit-Hallahmi] در مقاله «نیم‌رخی روان‌شناختی از ملحدین» اطلاعاتی روان‌شناختی را در اختیار می‌گذارد.

#### یادداشت کتاب‌شناختی:

برای کتاب‌های مقدماتی بر خدا باوری بنگرید به:  
- Douglas Krueger , *What Is Atheism?* (Amherst , N.Y : Prometheus Books , 1998)  
Julian Baggini , *Atheism , A Very Short Introduction* (Oxford :Oxford University Press 2003.)

منافع پیش‌رفته‌تر درباره آثار خدا باورانه را می‌توان در کتاب‌شناسی‌ها و یادداشت‌های پایانی فصل‌های این مجموعه یافت. به علاوه کتاب‌شناسی‌های مفصلی را می‌توان در کتاب‌های ذیل یافت:

- Nichlas Everett , *The Non Existence of God* (London : Rutledge , 2004) -Finngair

Oxford University Press ,1979)

۸. برای نقدهای دیگر کریگ بنگرید به:

-Stan Wallace (cd), *Does God Exist?*

(Burlington, Vt : Ashgate publishing,2003)-

-William lane Craige and Quentin Smith (eds), *Theism , Atheism and Big Bang Cosmology* (Oxford: Clarendon , 1993)

-Erik. J. Wielenberg, *Values and virtue in Godless Universe* (Cambridge : Cambridge university press , 2005).

-Jeffrey Jay Lowder, "Historical Evidence and the Empty Tomb: A Reply to William Lane Craige "in Robert Price and Jeffrey Jay Lowder (eds), *The Empty Tombs* (Amherst, N.Y : Prometheus Books 2005).

همچنین برای مقاله‌های انتقادی درباره کریگ بنگرید به:

<http://www.infidels.org/library/modern/theism/Christianity/craig.html>.

۹. برای ادله علیه خداپاوری که در این مجموعه نیامده‌اند بنگرید به:

- Michael Martin, *Atheism: A philosophical Justification* (Philadelphia: Tempel University Press , 1990)

- Nicholas Everett , *The Non Existence of God*(London : Routlege , 2004)

- Richard Ggle, *On the Nature and Existence of God*(Cambridge: Cambridge University Press , 1991).

۱۰. بنگرید به:

- Michael Martin and Ricki Momier (eds), *The Impossibility of God*(Amherst , N.Y: Prometheus Books, 2004).

۱۱. بنگرید به:

Martin , *Atheism* , Everett, *The Non Existence of God*.

۱۲. بنگرید به:

Theodore Drange , *Nonbelief and Evil* (Amherst , N.Y: Prometheus Books , 1998).

13. J. L Schellenberg , " Pluralism and Probability " *Religious Studies* 33 (1997).

۱۴. بنگرید به:

J.L. Schellenberg, *Hiddenness and Human Reason* (Ithaca, N.Y: Cornell University Press 1993).

می‌تواند ملحد باشد، هر چند این فقدان باور محصول ردّ نباشد. بنگرید به:

Paul Edwards "Atheism" in Paul Edwards (ed), *The Encyclopedia of Philosophy* (New York: Macmillan and free press , 1967), vd I, p.175.

۳. البته تعریف مطرح‌شده توسط بیردزلی و بیردزلی از خدا مزیت قابل توجهی دارد. بنا بر دیدگاه آن‌ها برای این که یک موجود خدا باشد، باید چهار ملاک داشته باشد: ۱. دارای قوای فراطبیعی باشد؛ ۲. از بسیاری محدودیت‌ها و حدود طبیعی اشیاء بی‌جان (جمادات)، از گانیم‌های ماقبل انسان و انسان‌ها آزاد است، به گونه‌ای که ممکن نیست در هیچ‌یک از این گروه‌ها رده‌بندی شود؛ ۳. نوعی حیات عقلی دارد؛ ۴. بر انسان‌ها برتری و علو دارد. بنگرید به:

Monroe Beardsley and Elizabeth Beardsley, *Philosophical Thinking : An Introduction* (New York : Harcourt, Brace and World , 1965), pp. 46-50.

۴. در تفکیک معنای موسع و مضیق «خداپاوری» به ویلیام رو

مدیونم:

"The Problem of Evil and Some Varieties of Atheism", *American philosophical Quarterly* 16 (1979): 335-41.

۵- ظاهراً این موضع کی نیلسون است. او خدایی غیر انسان وار را با عنوان بی معنا و خدای انسان وار را با عنوان کاذب رد می کند بنگرید به:

Kai Nielsen , "Introduction : How Is Atheism to Be Characterized ? "in Karl Nielsen , ed., *Philosophy and Atheism* (Buffalo, N. Y: Prometheus Press , 1985).

6. Michael Martin, " Atheism v. Agnosticism" *philosophers Magazine* 19 (summer 2002) : 17-19

همچنین بنگرید به:

Michael Martin Aug ,27,2001, " On an "Argument for Agnosticism

<http://www.infidels.org/library/modern/Michael-martin/martinag.html>

۷. مثلاً بنگرید به:

Alvin Plantinga , *Warranted Christian Belief* (Oxford : Oxford University Press , 2000)

----- *God, Freedom and Evil* (Grand Rapids , Mich: Eerdmans, 1977)

Richard Swinburne , *The Coherence of Theism* (Oxford University Press ,1977)

-----*The Existence of God* (Oxford: